

روزی برای علی اکبر(ع)

يك جرعه روضه

🔹 پیچ رادیوی تاکسی باز بود و قطعاتی کوتاه از سخنرانی و نوحه خوانی این دهه در حال پخش. سخنران به نقل از يك خطیب و واعظ گفت: «جمعیت، جلو بیایید و خوب گوش کنید می‌خواهم برایتان روضه شهید شدن امام حسین(ع) را بخوانم و بعد هم شروع کرد به خواندن روضه حضرت علی اکبر(ع)، روضه تمام شد و جمعیت همچنان منتظر بودند و خطاب به واعظ گفتند پس چرا روضه کشته شدن امام حسین را نمی‌خوانی؟... واعظ گفت خواندم متوجه نشدید...»



کوتاه بود و مختصر، اما زیباترین و جانسوزترین روضه‌ای بود که تا به حال درباره حضرت علی اکبر(ع) و امام حسین(ع) شنیده بودم؛ حسین نه در مقتل که در آغوش غرق به خون جوان رشید و زیبارویش که شبیه‌ترین فرد به پیامبر(ص) (خلقا و خلّقا) بود، جان داد و این را آنهایی خوب می‌فهمند که پای قد کشیدن جوان باکمال و جلالشان پیر شده‌اند، و حال که قرار است دامادی و شادی و خوشبختی‌اش را ببینند، باید تکه‌های پیکر خونینش را روی بویرا کنند و به سمت اهل حرم خانواده ببرند.

علی اکبر جوان، از اولین یاران حسین(ع) بود که برای یاری پدر به میدان رفت؛ رفت و وقتی تکه‌تکه به آغوش پدر بازگشت، دل و جان حسین را هم با خود برد... قصه رشادت و شهادت حضرت علی اکبر؛ قصه همه جوان‌هایی است که برای دفاع از دین و آیین و ناموس و مولای خود به میدان رزم رفتند؛ از صدر اسلام تاکنون؛ شاید بخاطر همین درد مشترک و فراگیر است که آیین و رسوم چندانی نمی‌توان در بین آیین‌های محرمی ثبت ملی شده کشورمان برای این جوان کرپلا یافت؛ که قصه او قصه همه پدرها و پسرهای دل‌داده و جدا مانده از هم است و نه تنها روز هشتم محرم که همه روزها به نام و برای این جوان شهید و رشید کرپلا و جوانان چون اوست... با این همه اما در برخی مناطق کشورمان آیین‌هایی به نام حضرت علی اکبر هست؛ مثل آیین سنتی پرسه‌خوانی در ندوشن یزد، مراسمی به یاد حضرت علی اکبر آذربایجان، یکی دیگر از مناطق است که رد پای روضه‌خوانی برای حضرت علی اکبر را می‌توان در آن یافت؛ البته این مراسم به طور خاص برای فرزند رشید اباعبد... اجرا نمی‌شود، بلکه عزاداری است در قالب شبیه‌خوانی که صورتی است از بازسازی وقایع کرپلا که در آن افراد به شیوه‌ای تجریدی به دو گروه اشقیا و امام‌خوان‌ها تقسیم می‌شوند.



اشقیا با لباس سرخ و تیره و صدای ناهنجار و امام‌خوان‌ها با لباس سبز و صدایی دلنشین و قایقی چون شهادت حضرت علی اکبر حضرت عباس، حضرت قاسم و امام حسین(ع) را به نمایش می‌گذارند.

اما شاید بیشترین عزاداری برای حضرتش را بتوان در گروه‌های تعزیه دید که تقریباً در همه نقاط کشورمان اجرا می‌شود؛ به ویژه در استان‌هایی چون اصفهان، مرکزی و....

در بیشتر گروه‌های تعزیه‌خوانی، از صدای زیر و جوانی برای نقش خوانی حضرت علی اکبر استفاده می‌شود و از آوا و لحن بم نیز برای اشقیاخوانی بهره گرفته می‌شود.

خاصه که امروز؛ هشتم محرم، روزی است به نام علی اکبر(ع) و به یاد رشادت‌های قهرمانانه او و شاید به نوعی پاسداشت تمام جوانان برومند و غیور و شهید رهرو ایشان.



خانه تاریخی امینی‌ها
از اول تا دوازدهم محرم با اجرای مراسم سخنرانی و روضه‌خوانی سنتی، میزبان عزاداران اباعبد... هستند

عکس‌ها:

مجید آزاد
جام جم

درخشش نگاره‌های عاشورایی استاد فرشچیان در موزه رضوی

به مناسبت ایام محرم، آثار نفیس استاد محمود فرشچیان با موضوع امام حسین(ع) و قیام عاشورا، در تالار استاد فرشچیان موزه آستان قدس رضوی به نمایش درآمده است. به گزارش جام جم، بیشتر این آثار به سبک نگارگری با تکنیک اکریلیک روی مقوای بدون اسید خلق شده است.



گزارش خبرنگار جام جم از مراسم عزاداری سالار شهیدان

در حسینه امینی‌های قزوین؛ میراثی به جامانده از دوران قاجار

اینجا قصر سیدالشهداست



مینا مولایی

ایران

ساعت نزدیک هشت صبح است و رسیده‌ایم به قزوین؛ حوالی خیابان مولوی و دیوارهای حسینه از دور پیداست، دیوارها پرچم پوشند و صدای روضه را می‌شود از همین بیرون هم شنید. در چوبی حسینه چهارطاق به روی همه باز است؛ نشان به آن نشان که سردر شب یک پارچه بزرگ زده‌اند و خوشامد گفته‌اند حضور مردم را به مجلس سوگوری اباعبد....

این طرف دیوارهای حیاط، این طرف در چوبی قدیمی اما صدای روضه اوج می‌گیرد و جمعیت داخل حیاط را هوایی می‌کند؛ جمعیتی که یا از صاحب مجلس خداحافظی کرده و رخصت طلبیده‌اند برای رفتن، یا تازه راه رسیده و سلام داده و ایستاده‌اند تا جای خالی داخل مجلس پیدا شود برای نشستن؛ جمعیتی که منتظر است.

ما از پله‌های ورودی بالایم روییم و تالار اصلی حسینه پیش رویمان پیدا می‌شود؛ زیباتر از تمام عکس‌هایی که از آن در اینترنت دیده بودیم، پر نقش و نگارتر، هنرمندانه‌تر، یک معماری اصیل که مدت‌هاست گره خورده به مذهب، به عشقی تمام نشدنی به اهل بیت؛ به حسین(ع). همین است که حالا زیر سقف آینه‌کاری و گره چینی شده حسینه، چیزی جز ذکر حسین نمی‌شود شنید. می‌خواهیم نزدیک‌تر شویم، اگر دلمان را پیدا کنیم زیر این همه غباری که نشسته‌اندگار از هزار سال پیش رویش؛ موج جمعیت اما منتظر نمی‌ماند، می‌اندازمان وسط تالار... همان‌جا بین جمعیت گم می‌شویم، بین آدم‌هایی که سرا پا نشناخته راهی حسینه شده‌اند؛ عزادارانی که دلشان بین این همه زیبایی حیران است؛ آدم‌هایی که زیر سقف حسینه بین آینه‌کاری‌ها، ارس‌ی‌ها، شیشه‌زنگی‌ها و... دلشان را سبک می‌کنند، دلی که تاب ندارد، پراز نیاز است، پراز خواهش، لیریز از خواسته‌هایی دور، حرف‌هایی نگفتنی... حرف‌هایی که پای منبر حسین(ع) اشک می‌شوند و رد گونه را می‌گیرند و می‌آیند پایین.

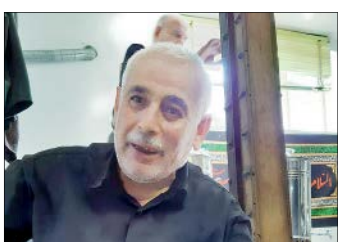
🔹 **ماطلیده شدیم**



دیدن این اشک‌ها، این جمعیت عزادار و سپاهپوش برای مهدی زین‌آبادی، پیرمرد ۸۳ساله‌ای که از ۳۰ سال پیش مسؤول دم کردن چای در این حسینه شده، هنوز یک

🔹 **می‌آیند، می‌نشینند، گریه می‌کنند، سبک می‌شوند، می‌روند، جایشان را یک نفر دیگر پر می‌کند؛ یک دل‌داده دیگر؛ یک سپاهپوش دیگر؛ یکی که مثل خودشان از بچگی دل به دل اهل بیت داده و حالا در محرمی که به نام حسین(ع) گره خورده، عزادار یک داغ بزرگ است؛ داغی که کهنه نمی‌شود؛ داغی که سال‌هاست حسینه امینی‌های قزوین را در این ایام سپاهپوش می‌کند؛ آن قدر که اینجا با افتخار بشود میزبان مجلس سوگوری اباعبد...!**

اتفاق ناب است. هنوز اشک جمعیت، اشک او را هم درمی‌آورد؛ هنوز او مثل ۳۰ سال پیش با عشق صبح کله سحر از خواب بیدار می‌شود و خودش را به حسینه می‌رساند تا قبل از آمدن عزادارها جای برای پذیرایی آماده باشد. می‌گوید امام حسین(ع) من را طلبید که الان اینجا هستم و این را با چنان عشقی می‌گوید که باور می‌کنیم حتما یک چیزی او را که عاشق حسین بوده وصل کرده به یک مجلس عزاداری همیشگی، آنقدر که هرسال از اول محرم تا دوازدهمین روزش برنامه همین باشد؛ این‌که از ۶ صبح تا نزدیک‌های ۱۱ ظهر، جای دم کند و دلش خوش باشد به این که خدمت کرده به عزاداران اباعبد...!



🔹 **افتخار نوکری آقا**

افتخار مجید مشهدی شعبانی هم همین خدمت است؛ او هم ۳۷ سال است که جزو خادمان حسینه در این ایام است؛ می‌گوید نوکری آقا امام حسین را می‌کنم، هرکس صبحانه بخواد برایش نان و پنیر آماده می‌کنم، هرکس چای بخواد چای می‌دهم هرکس شیر و نان زنجبیلی بخواد برایش شیر می‌برم، نمی‌ذارم عزادار حسین تشنه و

تلفیق معماری و مذهب

زیر سقف حسینه امینی‌ها



حسینه امینی‌های قزوین یکی از کم‌نظیرترین خانه‌های ایعانی دوره قاجاریه است؛ عمارتی که سال ۱۲۷۵قمری در دو طبقه به وسیله مرحوم محمد رضا امینی از تجار معتبر و مومن این شهر ساخته شده است. حسینه دارای دو حیاط شمالی و جنوبی و سه تالار شرقی، غربی است که به موازات یکدیگر قرار دارند و به وسیله پنج دری‌های متحرک مشبک از هم جدا می‌شوند. تالار میانی بزرگ‌تر از دو تالار دیگر و به طول ۱۸متر و عرض پنج متر ساخته شده و طول و عرض دو تالار دیگر، هر یک ۵×۱۰ متر است. آمیختگی حساب شده و زیبایی تزئینات گچبری، نقاشی روی چوب و آئینه‌کاری در سقف، دیوارها، تاقچه‌ها، رف‌ها و دیوارواره‌های چوبی بسیار چشمگیر و در حد شاهکار است. طبق اسناد به جامانده برای ساخت این بنا مبلغ ۴۸ هزار تومان هزینه شده و آجر و آهک مورد نیاز از احداث این بنا، از کوره احداثی حاج محمدرضا امینی تهیه شده؛ گچ مورد نیاز را هم خرواری ۱/۲۵ ریال خریده‌اند. نکته قابل توجه دیگر هم این است که به هنگام انجام عملیات ساختمانی این بنا، اجرت بنا روزه ۶۰ دینار، شاگرد بنا ۱۵ دینار، عمله ۳۰ دینار و نجار ۸۰ دینار بوده است.

مسؤول موزه قرآن و نفایس آستان قدس رضوی در این باره می‌گوید: از قدیمی‌ترین آثار عاشورایی استاد در این تالار که اولین اثر اهدایی ایشان به موزه آستان قدس رضوی است، تابلوی «عصر عاشورا» در ابعاد ۹۸ در ۷۳ سانتی‌متر است که عناصر انسانی، حیوانی و گیاهی در آن موجود بوده و در سال ۱۳۵۵

خورشیدی خلق و سال ۱۳۶۹ به دست استاد به موزه حضرت رضاع(ع) اهدا شده است. به گفته مجید مهردوست تابلوی عرش بر زمین (گودی قتلگاه)، تابلوی هدیه (حضرت علی‌اصغر علیه‌السلام)، «پرچمدار حق» (حضرت ابوالفضل علیه‌السلام) از دیگر آثار به نمایش درآمده استاد فرشچیان در این موزه است.



جا قصر است، اما قصر سیدالشهدا... که همین جمله‌اش تبعات سیاسی ای را برایش به‌وجود می‌آورد و در نهایت ایشان اینجا را وقف می‌کنند و عمارت امینی‌ها تبدیل می‌شود به حسینه امینی‌ها.»

حرف‌های جمال امینی را برادرش کمال تکمیل می‌کند و می‌گوید: «در این حسینه جد ما وصیت کرده که اولاد ذکور همیشه متولی حسینه باشند. طبق همین وصیت ما ۱۲ روز اول محرم را اینجا روضه‌خوانی داریم و روضه‌خوانی‌مان هم سنتی است، یعنی بر این مناسبت که بالای منبر احکام دین را می‌گویند، فلسفه جهاد امام حسین(ع) را می‌گویند، از اول هم هر کدام از منبری‌ها، یک وظیفه‌ای دارد، مثلاً یک نفر درباره خانواده امام حسین(ع) صحبت می‌کند، یکی اصحابش و ...، روزهای تاسوعا و عاشورا هم در حسینه به روی هیات‌های عزاداری بازی می‌شود و تا ۱۲ تا هیات‌های بزرگ قزوین می‌آیند اینجا سینه‌زنی می‌کنند و علم و کتل و پرچم می‌آورند، البته حمایت خدمت نرگس سادات حسینی در بخش خواهران اما به حق همسایگی می‌رسد؛ به این‌که خانه آنها رویه روی حسینه است و مگر می‌شود یک نفر همسایه باشد و هوای همسایه‌اش را در مراسم سوگواری نداشته باشد... به‌خصوص که سوگواری برای کسی باشد که عزیز دل خیلی‌هاست... عشق به اهل بیت(ع)، نرگس خانم را هم از ۲۵ سال پیش مقیم روزهای عزاداری حسینه کرده؛ آنقدر که بماند و خسته نشود از ریختن شیر و چای و خدمت به عزاداران دیگر.

عشق به حسین، منصوره برجعلی را هم از ۴۰سال پیش پایند این حسینه کرده و حالا ۴۰سال از خدمت او در بخش خواهران می‌گذرد؛ «چهل سال پیش آمدن اینجا بنشینم روضه گوش بدهم، اما دیدم تعداد خادم‌ها خیلی کم است، خودم داوطلب شدم بلند شدم چای چرخاندم بین جمعیت و دیگر ماندم تا همین الان...».



این دو برادر اگر بخواهند از اتفاقاتی بگویند که در این سال‌ها به چشم دیده‌اند، هزار شب قصه دارند برای گفتن. فصل مشترک این قصه‌ها اما اعتقاد است، این‌که خیلی‌ها که با اعتقاد پا به این مجلس عزا گذاشته‌اند بی‌جواب برگشته‌اند.

🔹 **چه‌ها که اینجا ندیدیم**

فرید اکبر شاهی، خادم و نگهبان حسینه بارها و بارها از زمان خدمتش از این حاجت‌روایی‌ها به چشم دیده؛ نزدیک‌ترین‌اش همین روز سوم ماه محرم امسال که یکی از خانم‌های عزادار آمده، جلویش را گرفته و خودش را معرفی کرده و گفته شما پارسل محرم به من گفتید اینجا اگر عزاداری کنی و حاجتی داشته باشی برآورده می‌شود، الان من باردارم ۱۸ سال ازدواج کرده بودم و بچه‌دار نمی‌شدم....

برای او که از هفت سال پیش، ۲۴ ساعت شبانه‌روزش را در این حسینه گذرانده، آدم‌هایی که در این ایام پا به حسینه می‌گذارند يك تفاوت بزرگ با آدم‌هایی دارند که در روزهای دیگر گذرشان به حسینه می‌افتد، آن قدر که بگوید: آدم‌هایی که این ۱۲ روز به حسینه می‌آیند به عشق حسین می‌آیند، برای عزاداری می‌آیند، هدف‌شان دیدن این خانه نیست، اما در روزهای دیگر آدم‌ها برای دیدن در و دیوار می‌آیند و خب جنس‌شان با هم فرق می‌کند. 🔹

گشته بماند.

🔹 **بانوانی که حق همسایگی به جامی‌آورند**



عشق به حسین، منصوره برجعلی را هم از ۴۰سال پیش پایند این حسینه کرده و حالا ۴۰سال از خدمت او در بخش خواهران می‌گذرد؛ «چهل سال پیش آمدن اینجا بنشینم روضه گوش بدهم، اما دیدم تعداد خادم‌ها خیلی کم است، خودم داوطلب شدم بلند شدم چای چرخاندم بین جمعیت و دیگر ماندم تا همین الان...».

عشق به حسین، منصوره برجعلی را هم از ۴۰سال پیش پایند این حسینه کرده و حالا ۴۰سال از خدمت او در بخش خواهران می‌گذرد؛ «چهل سال پیش آمدن اینجا بنشینم روضه گوش بدهم، اما دیدم تعداد خادم‌ها خیلی کم است، خودم داوطلب شدم بلند شدم چای چرخاندم بین جمعیت و دیگر ماندم تا همین الان...».



جلال آقا که بزرگ‌تر است می‌گوید: «ما از نوادگان مرحوم حاج محمدرضا امینی هستیم، این حسینه هم از خیلی سال پیش وقف عزاداری برای سیدالشهدا شده، حکایتش هم آن‌طور که به ما گفته‌اند این است که در آن زمان طی بازدیدي که یکی از پادشاهان زمان قاجار یعنی ناصرالدین شاه از این خانه داشته، شيفته زیبایی این خانه می‌شود و به حاج محمدرضا که مالک و سازنده خانه بوده می‌گوید، این‌که شما ساختی يك قصر است، ایشان هم برخلاف روال عمومی جامعه مقابل پادشاه کلمه پیشکش را به کار نمی‌برد و می‌گوید بله این